

حجت میان آبادی درگفت‌وگو با «فرهیختگان» از پازل پیچیده مسئله آب و کارهایی که هنوز قابل انجام است می‌گوید

دولت می‌تواند تماشاچی نباشد



۲۹ تیرماه گزارشی با عنوان «متهم ردیف اول مصرف آب» از روزنامه «فرهیختگان» منتشر شد. در این گزارش حجت میان‌آبادی، پژوهشگر دیپلماسی آب نوشته بود بیشترین سهم در مصرف آب شرب کشور متعلق به تکنولوژی کولر آبی دهه ۴۰ است.
در این یادداشت آمده بود که: «طبق مطالعات پژوهشکده مطالعات فناوری، در حال حاضر در حدود ۲۰ میلیون کولر آبی در کشور وجود دارد که به‌گفته سازمان ملی استاندارد ایران، بیش از ۷۰درصد آن‌ها دارای رتبه انرژی E۰۴ و G هستند. طبق برخی آمارهای رسمی، هر کولر آبی در هر ساعت بین ۳۰ تا ۴۵ لیتر آب مصرف می‌کند، یعنی در هر شبانه‌روز حدود ۷۰۰ لیتر آب مصرف می‌کند. مطالعات متخصصان و پژوهشگران پژوهشکده مطالعات فناوری، کارکرد کولرهای آبی در تابستان سال ۱۴۰۲ را حدود ۱۹ میلیارد ساعت تخمین زده است. با در نظر گرفتن نرخ مصرف آب کولر آبی بین ۳۰ تا ۴۵ لیتر در ساعت، حدود ۵۷۰ تا ۸۵۰ میلیون مترمکعب آب در تابستان (متوسط ۷۰۰ میلیون مترمکعب) توسط کولرهای آبی مصرف می‌شود که این میزان بیش از ۳ تا ۴٫۵ برابر ظرفیت اسمی سد امیرکبیر (سد کرج) است. این میزان مصرف آب، معادل ۱٫۵ برابر ظرفیت کل سدهای طالقان و کرج در زمان پرشدگی صددردصد خود است. تفاوت مصارف آب در کولرهای آبی با سایر مصارف شرب نظیر شست‌وشو و استحمام آن است که کل این میزان آب، تبخیر شده و امکان بازگشت به چرخه بهره‌برداری مجدد را ندارد.»
پس از انتشار این آمار برای برخی خوانندگان «فرهیختگان» این پرسش به وجود آمد که آیا بار اصلی مصرف آب شرب به دوش مردم است؟ نقش وزارت نیرو به‌عنوان متولی توزیع آب کشور در مدیریت آب شرب چیست؟ در گفت‌وگوی پیش رو با حجت میان‌آبادی در ابتدا ابهام‌ها و سؤال‌های خوانندگان پیرامون یادداشت منتشرشده پاسخ داده شده و بعد با بازگشت به کمی عقب‌تر به این پرسش پاسخ داده‌ایم که اساساً بحران آب امروز ما مربوط به کم‌بارشی است یا سوءمدیریت آبی؟ همچنین در ادامه این گفت‌وگو نسخه‌های کوتاه‌مدت تجویزشده برای حل مشکل آبی تهران را با این پژوهشگر دیپلماسی آب بررسی کرده‌ایم. وی ضمن تحلیل نسخه‌ها بر این باور بود کسی که می‌گوید می‌تواند مشکل آب کشور را حل کند، حقیقت را نمی‌گوید.

■ ■ ■

با توجه به هشدارها در خصوص وضعیت آبی کشور، کجای کار ما اشکال داشت که امروز به این مشکل دچار شده و به بحران آب در تهران رسیده‌ایم؟

بخش اصلی مشکل آب ما در تعریف مشکل یا مسئله است و اگر مسئله مشخص شود خیلی از مسائل دیگر را می‌تواند حل و فصل کند. ما در تشخیص نوع جنس و بیماری دچار مشکلیم و به دنبال این می‌گردیم که چه دارویی برای این بیمار جواب می‌دهد، در صورتی‌که اساساً این مسئله را نشناخته‌ایم. وقتی صحبت از سیستم آبی می‌شود، از سطوح، مقیاس، ابعاد و حوزه‌های مختلف تشکیل شده است. به عبارتی وقتی صحبت از سیستم آبی می‌کنید حوزه‌های مختلفی اعم از کشاورزی، صنعت، شرب و محیط‌زیست دارید که این حوزه‌های چهارگانه سطوح مختلفی دارند. برخی دعواهای آبی در سطح محلی است، مانند دعوی چاه بین دو روستا یا دعوی رودخانه بین دو شهر. گاهی گسترده‌تر می‌شود و به دعوی بین دو استان مانند چهارمحال و بختیاری و اصفهان یا اصفهان و یزد می‌رسد و گاهی نیز سطح بین‌المللی پیدا می‌کند، مثل ایران و افغانستان، دجله و فرات که بین ترکیه، سوریه، عراق و ایران است یا مثل رودخانه نیل که با چهار حوزه کشاورزی، صنعت، شرب و محیط‌زیست در مقیاس مشترک بین ۱۱ کشور دعواست. این سیستم‌های آبی ابعاد مختلفی هم دارند. برخی مسائل آبی مسائل اقلیمی هستند، مثل زمانی که خشکسالی رخ داده است، برخی ابعاد اجتماعی است، یعنی فقط مهندسی و اقلیمی نیست، مثل زاینده‌رود که مسئله آن تنها مسئله آبی نیست، بلکه نماد اجتماعی و سیاسی بین اصفهان و چهارمحال و بختیاری است. رودخانه سند به نماد ابزار نظامی بین هند و پاکستان تبدیل شده است. یک سیستم آبی، حوزه‌ها، ابعاد، سطوح و مقیاس‌های مختلفی را پوشش می‌دهد؛ مثلاً یک بار در یاره سیلی صحبت می‌کنید که در سه روز رخ داده و یکبار بحران آب شما ۶ ماهه است و یکبار دچار خشکسالی سه‌ماهه شده‌اید. گاهی بازه آبی شما ۱۰ساله است و گاهی مسئله تغییر اقلیم و تاریخ سیاست‌گذاری در ۵۰ سال را تحلیل می‌کنید، برای مثال حوزه‌ای مثل زاینده‌رود هم ابعاد کشاورزی دارد، هم ابعاد صنعتی دارد و هم ابعاد شرب دارد؛ مقیاس آن هم محلی است و هم ملی و هم استانی؛ سطح آن از خشکسالی امسال تا مناقشه در زمان شیخ‌بهائی است. پس زمانی که صحبت از مسائل سیستم آبی می‌کنیم باید بدانیم تمام این‌ها جزئی از یک سیستم آبی است که باعث ایجاد پازل ۱۰هزار تکه می‌شود که شکل وشمایل آن کاملاً برای ما ناشناخته و به‌هم‌ریخته است. برای همین مسئله زاینده‌رود مسئله‌ای اجتماعی است که کشاورزان اصفهانی برای آن به کف خیابان آمده‌اند، اما تاکنون دیدید برای خشکسالی ارومیه کشاورزان به کف خیابان بیایند؟ خبری نیست؛ چراکه حوزه، ابعاد، مقیاس و سطح مسئله با هم فرق می‌کنند. زمانی که صحبت از مسئله آبی می‌کنیم، شبکه مسائلی که باعث ایجاد چالش یا بحران آب شده ترکیبی از مسائل است، یعنی حوزه‌های آن می‌تواند کشاورزی، شرب، چمن و محیط‌زیست، صنعت، دریا، تغییر اقلیم، مسئله هویتی و حتی مقیاس محلی، ملی یا استانی باشد. لذا اینکه بگوییم آن کدام یکی است، دقیقاً سؤال غلطی است. مشکل همین است که می‌گوییم کدام یک مشکل است؟ مشکل در حکمرانی است؟ در سیاست‌گذاری یا در مدیریت است؟ ما می‌گوییم مشکل در همه این‌هاست. این شبکه مسائل هم فقط محصول این‌ها نیست، در چین، ترکیه و رودخانه‌های فرامرزی ترکیه نیز این مشکل و چالش وجود دارد. آن کشور امروز قطعی آب داشته است. این مشکل در اروپا هم وجود دارد. پس اینجا مشکل در تمام این حوزه‌هاست. در هریک از این‌ها می‌تواند متفاوت باشد. کدام یک اولویت دارد؟ اصطلاحاً می‌گوییم حوزه به حوزه و زمان به زمان فرق می‌کند، لذا مسئله‌ای که باعث بحران زاینده‌رود شده ممکن است با مسئله‌ای که سبب بحران ارومیه شده متفاوت باشد، حتی مسئله‌ای که سبب بحران زاینده‌رود در سال ۱۳۹۸ شده با مسئله‌ای که سبب بحران زاینده‌رود در سال ۱۴۰۴ شده متفاوت است. اگر من به‌عنوان متخصص آبی بخواهم این پازل هزار یا ۱۰هزار تکه را که ناشناخته است، مرتب کنم باید تکه‌تکه هر بخش را بردارم، بزرگ کنم و شکل آن را نشان دهم و بعد سر جای خود قرار دهم. اگر یکی دو تکه از این پازل را نشان دادم، یعنی همه مسائل آبی زیر سر این پازل‌هاست؟ قطعاً خیر! ما چهار حوزه کشاورزی، صنعت، شرب و محیط‌زیست داریم. تاکنون در حوزه شرب و بهداشت وزارت نیرو وعادت داشت بگوید مشکل آب تقصیر مردم است، چون شیروا چکه می‌کند. ما گفتیم چرا فکر می‌کنید مشکل آب از مردم است؟ مردم چه گناهی دارند؟ تقصیر مردم چیست؟ وقتی مردم مجبور به استفاده از کولر آبی هستند که تکنولوژی آن برای

۶۰ سال پیش است و برق و آب را می‌بلعد و سبب ناترازی برق و آب شده، تقصیر مردم چیست؟ آیا تسهیلات مناسب و تولید کولرهای آبی کم‌مصرف و حمایت از آن وظیفه هم است؟

وقتی صحبت از مدیریت آب می‌کنیم به معنای مدیریت عرضه آب و مدیریت تقاضای آب است ولی نقد ما چیست؟ وزارت نیرو صرفاً وزارت مدیریت عرضه شده است. ما در یادداشت کولر کوثاهی و قصور بسیار جدی وزارت نیرو را در عرصه حوزه‌قط شرب برجسته می‌کنیم. برخی می‌گویند چرا فقط به آب شرب چسبیده‌اید، ۹۰درصد مصرف غلط در کشاورزی است. این‌ها موضوعات مجزاست. شما که با بهره‌وری کشاورزی در ارومیه نمی‌توانید مشکل آب تهران را حل کنید. اصلاً کشاورزی یک تکه از پازل است و شرب تکه دیگری است. کسی ادعا کرد کولر آبی را حل کنیم مشکل آبی کشور حل می‌شود؟ مشخص است، این گونه نیست. ما مکرر بیان کردیم و نقدی که کردیم همین بود که چرا وزارت نیرو ووزارت مدیریت عرضه نشده است؟ در این ۴۰ سال هیچ کاری را برای مدیریت تقاضا و مصرف کولر ها که هم باعث ایجاد ناترازی برق شده و هم باعث ایجاد ناترازی انرژی شده نکردیم. در جلسه ۲۱ بهمن هیئت وزیران مصوب شده مبلغ ۵ هزار و ۸۰۰ میلیارد ریال معادل ۵٫۳ همت برای اجرای طرح‌های آبرسانی به شهرهای دارای تنش آبی اختصاص پیدا کنند. سؤال می‌برسم که از این میزان چقدر برای مدیریت تقاضا تخصیص پیدا می‌کند؟ وزارت نیرو قرار است آب را با ۵٫۳ همت به تهران بیاورید و من به عنوان مصرف‌کننده آن را در تکنولوژی دهه ۴۰ بریزم که من هیچ تقصیری در آن ندارم؟ می‌گویند مصرف‌بزین در ایران سه‌ برابر استاندارد جهانی است. این را قبول می‌کنیم اما سؤال این است که خودروهای تولید داخل یک نیم تا دو برابر استاندارد جهانی مصرف می‌کنند و کیفیت آن‌ها به شدت پایین است و مصرف بنزین آن‌ها به شدت بالاست، من به عنوان مصرف‌کننده امکان و حق انتخاب یک خودرو با کیفیت مصرف جهانی را ندارم و برای همین خودروهای پر مصرف باید در بزرگ‌ترین انباری کشور شرکت کنم، چه تقصیری دارم که مصرف بنزین در کشور زیاد است؟ اینکه خودروها دو برابر بنزین مصرف می‌کنند تقصیر مردم است؟ این پول یارانه بنزین در جیب مردم نمی‌رود بلکه در جیب دو خودروسازی که کار تولید خودروی بی‌کیفیت می‌کنند می‌رود چون مردم حق انتخاب دیگری برای خودروی کم مصرف ندارند. پس آیا تقصیر مردم است یا تقصیر دو شرکت خودروساز است؟ اینکه کولر آبی دهه ۴۰ نصف آب شرب کشور را در بخش مصرف، نه بخش برداشت، مصرف می‌کند و هدر می‌دهد و مردم امکان خرید یک کولر را ندارند چون عمده محصولات کیفیت مصرف انرژی و آب آن‌ها همینطور است تقصیر مردم چیست؟ چرا ۵٫۳ همت وزارت نیرو پول برای اجرای آبرسانی می‌گذارد ولی حاضر نیستند بخشی از این پول را برای مدیریت تقاضا بگذارند.

آیا با اصلاح کولر آبی مسئله آب ما در هیرمند یا افغانستان حل می‌شود؟ قطعاً خیر! اگر کسی نتواند بفهمد این‌ها پازل هستند و باید یکی یکی این پازل‌ها در آورده شود، دیده شود و سر جای خود گذاشته شود، از مسئله درکی ندارد. کسی می‌تواند در یادداشت دو هزار کلمه‌ای همه این ابعاد، سطوح، مقیاس و حوزه‌ها را ببیند؟ هیچ کس در دنیا با یک کتاب هم نمی‌تواند این کار را انجام دهد. نکته دیگر این است که چرا وزارت نیرو برای ۲۸۰۰ میلیون متر مکعب حاضر است ۶ میلیارد دلار پول خرج کند (بارقم الان نزدیک ۵۴۰ هزار میلیارد تومان می‌شود) ولی حاضر نیست برای کاهش مصرف یا توزیع کولرهای کم مصرف انرژی و کم مصرف آبی سرمایه‌گذاری کند و آن‌ها را بین مردم توزیع کند؟ مگر خودد وزارت نیرو در دهه ۷۰ برای بحث لامپ‌های کم مصرف، ایسن لامپ‌ها را با یارانه بین مردم توزیع نکرد؟ از تولید لامپ‌های کم مصرف توسط کارخانه‌های بخش خصوصی حمایت کرد و بعد این را با قیمت بسیار کم در جامعه توزیع کرد و بعد گفت تولید لامپ رشته‌ای ممنوع است و همه مردم به لامپ کم مصرف مجهز شدند گفت می‌خواهم قیمت برق را افزایش دهم و جامعه نیز اعتراضی نکرد.

برخی رسانه‌ها و دولت بار مدیریت مصرف را روی دوش مردم می‌گذارند، یعنی مدام در تبلیغات از مردم می‌خواهند ششیرآب را سفت‌تر ببندند. یا موقع مسواک زدن شیرآب را زودتر ببندند. قطعاً این کارها در اندازه خودش مؤثر است اما نقش وزارت نیرو در این بین چیست؟

باید بار مدیریت آب را از دوش مردم برداریم. یک کولر با تکنولوژی جدید و با مصرف آب و برق کم ۴۵ میلیون تومان است که حتی یک هیئت علمی دانشگاه هم ممکن است توان خرید آن را نداشته باشد، چه برسد به عموم جامعه. وزارت نیرو و دولت به جای اینکه انگشت اتهام همواره در چشم مردم فرو کنند و بگویند ششیر آب چکه چکه می‌کند، چرا آن وظیفه اصلی خود را برای ارتقای یک وسیله آبربر پر مصرف‌کننده برق با تکنولوژی ۶۰ سال پیش را انجام نمی‌دهند! انگشت اتهام اینجاست، آیا اصلاح مصرف کولر آبی کار من به عنوان مصرف‌کننده است یا کار دولت و وزارت نیرو است؟ آیا اصلاح مصرف سوخت خودرو که به استاندارد جهانی مصرف کند تقصیر من است یا تقصیر دولت و شرکت‌های خودروساز و رانتی که دارند است؟ اینجا وقتی می‌گوییم کولر آبی نصف آب شرب را در بخش مصرف، مصرف می‌کند چطور وزارت نیرو در این مدت روی مصرف‌کننده نصف آب شرب شهری هیچ حساسیتی ندارد چون جزء وظایف وزارت نیرو است؛ و فقط اوج کار شما این است که به مردم گیر بدهید که دوش را دو دقیقه‌ای بگیردی یا ششیر آب چکه نکند. این کارها را مردم انجام می‌دهند، اما مسئول اینجااست که وزارت نیرو وظیفه خود را انجام داده است؟



چرا مصرف‌کننده در سال ۱۴۰۴ و به قول وزیر نیرو در «د عصر هوش مصنوعی» همچنان محکوم به استفاده از کولری است که تکنولوژی آن برای دهه ۴۰ شمسی است؟ چرا ۵٫۳ همت برای چیزی هزینه می‌کنی که در آن تعارض منافع دارد؟ وزارت نیرو در سسال ۱۴۰۴، ۲۰ هزار میلیارد ریال ردیف بودجه گرفته که برای رفع تنش آبی اقدام کند و از این میزانی که وزارت نیرو از محل حاصل از مولدسازی‌های دارایی‌ها و اعتبارات استانی گرفته چقدر خرج مدیریت تقاضا می‌شود؟ مگر وزارت نیرو در تابستان بحران ناترازی برق و ناترازی انرژی ندارد؟ مگر مسبب یک بخش اصلی سیستم سرمایش نیست؟ چند درصد بودجه را برای اصلاح این گذاشته که مصرف‌کننده توان استفاده از یک وسیله کم مصرف را داشته باشد؟ دقیقاً سؤال ما این است. چرا به چکه کردن ششیر آب مصرف‌کننده گیر می‌دهید و روی ۷۰۰ میلیون متر مکعبی که وزارت نیرو مسئول آن است و در بخش شرب مصرف می‌شود چشم خود را عامدانه می‌بندید؟ چرا وزارت نیرو ووزارت مدیریت عرضه شده است، نه وزارت مدیریت عرضه و تقاضا؟

کمی به عقب برگردیم. علت به وجود آمدن بحران آب در کشور ما کم بارشی است یا مدیریت منابع آبی؟

ما به صورت کلان دو نوع چالش آب داریم و این چالش در همه جای دنیا نیز وجود دارد. مثلاً در پدیده تغییر اقلیم، تیرماه امسال در تگزاس آمریکاسیل آمد و ۱۹۱ نفر کشته شدند. در این چالش‌ها و بحران‌ها دو عامل وجود دارد که یک عامل طبیعی است و دیگری عامل انسان‌ساز است. مطالعات مختلف نشان داده در دنیا عوامل انسان‌ساز در بحران‌ها و چالش‌های آبی (چه سیل و چه خشکسالی) اثر بسیار بیشتر و چشمگیرتر از عوامل طبیعی دارند. البته میزان عوامل رانمی‌توان بیان کرد. مقیاس و مسطح آن زمانی – مکانی است؛ امسال یک درصد است و سال بعد درصد دیگری است. در ارومیه عوامل انسانی ممکن است یک درصد سهم داشته باشند، عوامل طبیعی هم یک درصد مشخص دیگری سهم داشته باشند و در زاینده‌رود این سهم عوامل انسانی و طبیعی می‌تواند کاملاً متفاوت باشد. برای همین است که می‌گوییم پازل ده هزار تکه است که با یک یادداشت یا یک گفت‌وگو نمی‌شود همه این ابعاد را بیان کرد. مشکل این است که دنبال عصبای موسی برای مشکلات خود می‌گردیم. یعنی چیدن و پیدا کردن این پازل هزار تکه خیلی سخت است. اگر بخواهید درست کنید و به سال بعد برسید ممکن است همه چیز عوض شود. ما دنبال یک تک مسئله و یک بیمار کار مصرف چند دچار مشکل جدید می‌شود که به این مشکل همه مسائل را سر او بریزیم و بگوییم مسئله حل می‌شود. این امکان‌پذیر نیست. اصلی‌ترین چیزی که باید بدان بپردازیم این است که مشکل آب یک مشکل درهم تنیده است که نمی‌شود آن را در یک تک عامل محدود کرد. اما می‌شود تکه‌های این پازل را یکی یکی کرده و مطالعه کرد، برجسته کرد، سر جای خود قرار داد که با تکمیل این پازل شبکه ابعاد مسائل آب مشخص شود. لذا در حوزه آب مشکل اصلی ما این است که دچار مشکل نوع سوم هستیم؛ یعنی من به عنوان پزشک اگر در تشخیص یک مشکل دچار مشکل شوم، تجویز دارو می‌کنم که بیمار کار مصرف چند دچار مشکل جدید می‌شود که به این مشکل می‌گویند مشکل نوع سوم که ناشی از این است که در تشخیص مشکل دچار مشکل شده‌ام. الان مشکل نوع سوم ما چیست؟ اینکه نمی‌تواند درهم تیدگی حوزه، بعد، سطح و مقیاس را در این پازل چند ده هزار تکه را درک کنند. لذا همیشه مردم در جلسات از ما می‌پرسند راهکار شما برای ارومیه چیست؟ لذا خطاب به مردم ایران می‌گویم که اگر هر کسی گفت من برای مسائل آب ایران یک راه‌حل دارم که مسائل آب ایران را حل می‌کند بلااستثنا حقیقت را نمی‌گوید.

به نظر تان در تکه‌های مختلف پازل مشکلات آبی کشور تعارض منافع نیز وجود دارد؟

در این پازل چند هزار تکه تعارض منافع هم وجود دارد که اجازه نمی‌دهد این تکه‌ها درست شناخته شوند. یعنی تعارض مناهعی وجود دارد که اجازه نمی‌دهد این مشکلات درست شناخته شود. به جای اینکه در قسمت شرب برود کولر آبی را بجسبید، چمن را بجسبید، آبیاری چمن را بجسبید، فقط وزارت نیرو به چکه‌چکه کردن شیر آب خانه‌ها گیر داده است. می‌گوییم چرا نمی‌روید جاه‌های شهرداری را در اوج گرمای مرداد و اوج بحران که چمن آبیاری می‌کند را ببندید؟ چون به ازای هر متر مکعب پول خوبی در ریافت می‌کند. چطور کنتور مردم را برای مصرف آب یا بندید، برق ادارات را قطع می‌کنید و در زمستان گاز ادارات پر مصرف را که از استاندارد بالاتر است را قطع می‌کنید؟ که البته کار درستی هم می‌کنید، اما چرا در اوج بحران آب تهران و پدیده فرونشست حاضر نیستید چاه‌هایی که شهرداری استفاده می‌کند را ببندید؟ چرا که تعارض منافع دارد، چون در این حوزه پول وجود دارد لذا عامدانه مسئله به چکه چکه کردن شیر آب مردم تقلیل پیدا می‌کند. پس در این سال‌ها هیچ گاه صحبت از کولر آبی نبوده است. اکثر استانداردها انرژی کولر آبی‌ها حتی C هم نیست و F و G است. در ۴۰ سالی که بحران برق و انرژی داریم وزارت نیرو برای کولر‌ها چکه کار کرده است؟ فقط تیرز تلویزیونی کار کردند که مردم درجه کولر را کم کنند؟ مردم باید خودشان موتور کم مصرف اختراع کنند و مصرف‌کنند؟ مردم باید نسیسان آبی را با سسه برابر قیمت جهانی آن بخرند و موتور را ارتقا دهند و موتور را کم‌مصرف کنند؟

وقتی از سطوح مختلف سیستم‌های آبی صحبت می‌کنیم، سطوح روزانه، ماهانه، سالانه و دهه است؛ گذشته، حال و آینده مطرح است و از طرف دیگر کشاورزی دارد، شرب دارد، صنعت دارد، محیط زیست دارد، مقیاس محلی،

استانی، ملی و بین‌المللی نیز دارد؛ پس با یک مسئله بسیار درهم تنیده‌ای مواجه هستیم که اگر یک جای آن را دست بزنیم سه جای دیگر ممکن است خراب شود. لذا مسائل آبی مسائل ساده نیستند. مشکل نوع سوم این گونه است. فکر می‌کنیم مسائل آبی مسائل ساده و قابل تکه تکه کردن است؛ در حالی که عملاً اینطور نیست. مسائل آبی به شدت درهم تنیده هستند؛ کشاورزی با شرب، صنعت، محیط زیست، ابعاد اجتماعی، اقتصادی، اقلیمی و سیاسی، امنیتی و حتی با گذشته شیخ‌بهائی و با حال تحریم ترامپ و آینده‌ای که می‌خواهد در زاینده‌رود باشد نگاه شود. پس چرا یک تحلیل گر آبی یا کسی که در وزارت نیرو می‌نشیند تا تصمیم بگیرد شکست می‌خورد؟ چون این درهم تیدگی را درک نمی‌کند. آب را از اصفهان به یزد می‌برد که نیاز یزد را در حوزه آبی برطرف کند، در حالی که نمی‌داند با این کار بعد آبی را تأمین می‌کند، ولی بعد اجتماعی و سیاسی و امنیتی را تضعیف می‌کند و به خطر می‌اندازد. لذا عبور از این مسائل از پل صراط هم نازک‌تر است.

بحران آبی که امروز دچار آن هستیم چقدر به امنیت غذایی ما گره خورده؟ برخی‌ها معتقدند که بعضی سیاست‌ها به نام امنیت غذایی ما را به بحران آبی رسانده است.

امنیت آبی به ۵ بعد امنیت آب شرب، امنیت غذایی، امنیت انرژی (برقی-آبی)، امنیت اقتصادی و امنیت محیط زیستی گره می‌خورد. یعنی شما می‌خواهید آب خوزستان و کشاورزان آن را تأمین کنید، نگران هستید اگر آب کشاورزان را بدهید تا شلغوی امنیتی و سیاسی پیش نیاید یا گردوغبار خوزستان رخ ندهد. یعنی امنیت شرب و امنیت غذایی خوزستان و کشور را در کنار امنیت محیط زیستی تأمین کنم و نگران این باشم که تابستان باید از آب پشت سدهای خوزستان برق تولید کنم و نیاز به امنیت انرژی دارم. برای همین است که می‌خواهم این تصویر ایجاد شود که مسئله آب چنین ابر مسئله درهم تنیده و پازل چند هزار تکه است که تمام تکه‌های آن به هم ریخته است و در عین حال همه با هم ارتباط دارند. ما تا از این تصویر یکی یکی عبور را بیرون نکشیم و ارتباط آن را با بخش‌های دیگر حل نکرده و درک نکنیم نمی‌توانیم مسئله را بشناسیم و برای آن راه‌حل تعیین کنیم.

به نظر شما راهکارهای مقطعی مانند انتقال آب از سد طالقان چقدر راهگشاست؟

باتوجه به توضیحات قبلی من باید بدانید که این کار‌ها فیک است و علاج نیست. این پروژه‌ها با هزینه چند هزار میلیاردی از بیت‌المال، دردی از مسئله آب تهران حل نمی‌کند. مگر اینکه از کرج آب به تهران آورده‌ند، چند سال تابستان امنیت آبی تهران را تأمین کنند؟ مگر وعده نداده بودند که با خط انتقال قبلی اگر اجرا شود مشکل آب تهران حل می‌شود؟ الا آن کاملاً مشخص است کسی بگوید راهکار نجات آب تهران این است، درکی از الفبای آبی ندارد، چه این آدم معاون وزیر نیرو یا وزیر نیرو باشد، چه مدیرکل وزارت نیرو یا نماینده مجلس باشد، چه استاد دانشگاه باشد که بخواهد این پروژه‌ها را توجیه کند. کاملاً مبرهن است این پروژه‌ها به چه معنی است.

آیا اجرای سیاست‌های قیمتی تأثیری بر اصلاح الگوی مصرف دارد؟

من نمی‌گویم مسئله آب در ایران نباید اصلاح شود، ولی وقتی حدود ۴۰ درصد آب در شبکه آبی کشور به حساب نیامده از دسترس خارج می‌شود وقتی کولر آبی که وزارت نیرو می‌گوید تکنولوژی آن متعلق به دهه ۴۰ است، وقتی قیمت آب را زیاد کردید مصرف کولر آبی کاهش پیدا می‌کند؟ شما زمانی می‌توانید قیمت برق را زیاد کنید، که مشابه شرایط توزیع لامپ‌های کم مصرف باشد. شما خودروی کم مصرف هیبریدی با تکنولوژی روز را با قیمت مناسب و یک‌سوم جهانی و نصف مصرف بنزین وارد کنید، که مردم بتوانند استفاده کنند، قیمت بنزین را هم دو برابر کنید کسی اعتراض نمی‌کند. ولی وقتی برای خرید لامپ رشته‌ای پر مصرف یا لامری گذاشتید، واردات و تولید لامپ کم مصرف را هم ممنوع کردید، کارخانه‌ها فقط لامپ پر مصرف تولید می‌کردند و هر کس می‌خواست لامپ کم مصرف وارد کند تعرفه ۱۰۰ درصدی به جای حمایت از آن‌ها قرار می‌دادید، افزایش قیمت راهکار نخواهد بود. ایرادی که به برخی‌ها وارد است این است که اگر دو کشور اروپایی را از دور دیدید و قیمت آب اینقدر است این‌ها از قبل تمام سیستم‌های صرفه‌جویی خود را انجام دادند، در نروژ و هلند دولت برای تعویض پنچخال‌های قدیمی پر مصرف خانه‌ها که برق زیادی مصرف می‌کند ۲۵-۲۰ درصد یارانه می‌دهد. ۲۵-۲۰ درصد تکنولوژی روز را کشور اروپایی می‌دهد تا پنچخال را عوض کند و بعد از تعویض و مصرف ای پلاس قیمت را افزایش می‌دهد. ولیکن خودروی کم مصرف را تولید نمی‌کنند، سه‌ برابر استاندارد جهانی مصرف دارید، واردات خودروی کم مصرف را ممنوع کردید و رانتی است، همواره قیمت‌بنزین در اروپا را بر سر مردم می‌زنید؟ سیاست‌های اقتصادی زمانی کار می‌کند که ابزارهای فناوری و تکنولوژی به اندازه کافی توسط دولت در جامعه پیاده شده باشد؛ نه اینکه وزارت نیرو پای خود را در یک کشف کرده و کاری به پر مصرف‌ترین‌ها یا تکنولوژی عهد عتیق ندارد، دولت کاری به خودروهای ی کیفیت دو خودروساز ندارند و تنها می‌گویند که چرا مصرف بنزین شما زیاد است؟ من پول یارانه می‌دهم ملت بی‌فرهنگ هستند چرا مردم تهمت بی‌فرهنگی می‌زنید؟ خودروساز را درست کنید ملت هم درست مصرف می‌کنند؛ خودروساز را درست کنید قیمت بنزین را هم درست کنید. ولیکن چرا دست به دو خودروساز نمی‌زنید و چرا وظایفی که در مدیریت تقاضا دارد را انجام نمی‌دهد فقط انگشتست در چشم مردم می‌کنید؟

البته اصلاح الگوی مصرفی در کشاورزی که امنیت غذایی دارد با صنعت، با محیط زیست و با شرب فرق می‌کند. اصلاح الگوی قیمتی در صنعت، در کنار دریا با صنعت در کویر متفاوت است. در این خصوص باید اصلاحات انجام شود. امنیت اقتصادی، با امنیت غذایی، با امنیت محیط زیستی فرق می‌کند؛ همانطور که رشت، چابهار، یزد، اصفهان یا یکدیگر فرق دارند. حل مسئله آب مستلزم این است که حل مسئله آب را گلولک (نه محلی و نه جهانی) ببینیم. یعنی مسئله آب زابل، هم به مقیاس روستایی ارتباط دارد، هم به تعاملات و دعوی‌های هند و پاکستان و سدسازی‌های اردوغان برای پانترکسیم بر روی هیرمند بستگی دارد. من به عنوان یک تحلیل‌گر باید بتوانم مسئله سیستان را از برنامه‌های اردوغان، کریدور زنگزور، مناقشه هند و پاکستان و جنگ اتمی گرفته تا زاندامان کشاورزی و سیستم آبیاری روستاهای دهک در بخش زابل تحلیل کنم. یعنی مقیاس من، از بعد محلی تا بعد جهانی را در بر می‌گیرد. در تهران نیز از چمن‌های اتوبان مدرس و کولر‌های آبی گرفته، تا سیاست‌های اقتصادی دولت در بخش مسکن (که سبب تمایل مهاجرت به تهران یا خروج از تهران شده است) مسئله داریم. همچنین از سیاست‌های اقتصادی که باعث شده بخش اعظمی از ملت از کردستان و سیستان و بلوچستان به تهران رو بیاورند، تا روی کارآمدن طالبان که باعث می‌شود ۱۱ میلیون افغانستانی به تهران و کرج مهاجرت کنند، همه و همه در بحران آب تهران مؤثر هستند.